

## بررسی تطبیقی اقدامات فرهنگی و اقتصادی محمدعلی میرزا دولتشاه و امامقلی میرزا عمادالدوله در کرمانشاه

### قباد رده

دانشجوی دکتری ایران بعد از اسلام گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

### دکتر محمد قربان کیانی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

mohammad.kiany@yahoo.com

### دکتر محمد شیخ احمدی

استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

### دکتر سجاد دادفر

استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

### چکیده

هرچند شکل گیری مجدد شهر کرمانشاه پس از حمله مغولان و نابودی آن، مرهون خاندان زنگنه بالاخص از دوره شیخعلی خان زنگنه صدراعظم دوره صفوی بود، با این وصف می توان گفت هویت جدید و ساختار نوین اجتماعی و دینی و شهری کرمانشاهان تحت تاثیر حضور دولتشاه و فرزندانش در این جغرافیا شکل گرفت. اقدامات دولتشاه صرفاً به معماری و ساخت ابنیه محدود نبود، حضور تاثیرگذار روحانیت، تغییرات فرهنگی، حضور تجار، شاعران پارسی زبان از سایر شهرهای ایران و همگرایی مردم کرمانشاه در قیاس با سایر مناطق کردنشین با دولت مرکزی از نتایج حاکمیت مقتدرانه دولتشاه بود. با مرگ دولتشاه و عداوت محمدشاه با فرزندان وی، کرمانشاه دوباره در سراسیمگی رکود و انحطاط افتاد، این بار در دوره ناصرالدین شاه و در سایه اقدامات عمادالدوله از فرزندان دولتشاه، توانست دوباره سر برآورد. حال این سوال مطرح می شود که اقدامات فرهنگی و اقتصادی این دو شخصیت در کرمانشاه به چه صورت بود؟ تشابهات و تمایزات مهم اوضاع کرمانشاه در این زمینه در دوران دو حاکم ذکر شده شامل چه موارد مهمی بود؟ در این مقاله باروش تحلیلی و توصیفی و به کمک داده های تاریخی به این مهم پرداخته می شود.

کلمات کلیدی: قاجاریه، کرمانشاه، دولتشاه، عمادالدوله، اقدامات فرهنگی، اقدامات اقتصادی، مقایسه تطبیقی

## ۱. مقدمه

با روی کار آمدن قاجارها، سرحدی بودن جغرافیای کرمانشاهان و همجواری آن با عتبات عالیات و همچنین ساختاری عشیرتی آن بستر مناسبی برای ابراز شایستگی و لیاقت شاهزاده محمدعلی میرزا فراهم کرد. از آنجا که وی خود را برای ولیعهد بودن محقق تر می دانست، تلاش کرد در جغرافیای کرمانشاه شایستگی خویش را در تقابل با عباس میرزا نشان دهد. حکومت مقتدرانه و اقدامات سیاسی، فرهنگی و مذهبی دولت‌شاه در تقابل با دولت عثمانی و روسای عشایر کرد منطقه باعث همگرایی عشایر این دیار با حکومت مرکزی گردید. «محمد علی میرزا دولت‌شاه تقریباً همان کاری را که برادرش نایب السلطنه، در آذربایجان انجام می داد، در سطحی محدودتر، در ایالت کرمانشاه آغاز کرد. او مردم را متحد کرد و شهر کنونی را از نو بنا نهاد. دو افسر فرانسوی به اسامی «دکور» و «دوو» ماموریت یافتند به سازمان نظامی زیر فرمان او، سر و سامانی بدهند»<sup>۱</sup>. اغلب منابع معاصر قاجارها بر آنند که شکل‌گیری شهر کرمانشاه مرهون اقدامات شاهزاده محمدعلی میرزا بود و از دوران ساسانیان تا دوره قاجاریه این جغرافیا روی آبادانی ندیده است<sup>۲</sup> (گروته، ۹۲؛ سیف الدوله، ۲/۱۶۳).

مرگ نابهنگام دولت‌شاه و سپس روی کار آمدن محمدشاه قاجار فرزند عباس میرزا باعث شد که فرزندان و خانواده دولت‌شاه مورد غضب و عداوت محمدشاه قرار گیرند.<sup>۳</sup> خاندان دولت‌شاهی در دوره ۱۴ ساله حکومت محمدشاه قاجار، کاملاً از مناصب حکومتی دور بودند<sup>۴</sup>. با روی کار آمدن ناصرالدین شاه، به دعوت وی امامقلی میرزا به تهران رفت و در قصر گلستان حضور شاه بار یافت.<sup>۵</sup> امامقلی میرزا در سال ۱۲۶۸ ق به حکومت کرمانشاه منصوب گشت<sup>۶</sup>

## ۲. بیان مساله

با توجه به حاکمیت دولت‌شاه و عمادالدوله در کرمانشاه این مسئله مطرح می‌شود که سیاست‌ها و اقدامات فرهنگی ایشان به چه صورتی بوده است و چه تفاوت‌ها و تمایزاتی با هم داشته است. زمانه و شرایط اجتماعی و جایگاه دولت‌شاه و عمادالدوله دارای تفاوت‌های زیادی بوده است از جمله دولت‌شاه از طرف پدرش به حاکمیت منصوب گشت و خود را محق مقام ولیعهدی می‌دید و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی که داشت، نقش قدرتمندی در مواجهه با دولت عثمانی ایفا کرد و در هویت مذهبی کرمانشاه و نیز شکل‌گیری شهرنشینی کرمانشاه عامل موثری بود. روی کار آمدن عمادالدوله و جایگاه وی در آغاز چندان قوی

<sup>۱</sup> اوبن، ایران امروز، ۳۳۹.

<sup>۲</sup> گروته، سفرنامه گروته، ۹۲؛ سیف الدوله، سفرنامه مکه سال ۱۲۷۹ ق، ۲/۱۶۳.

<sup>۳</sup> رضاقلی میرزا، سفرنامه، ۳۷.

<sup>۴</sup> سپهر، ناسخ التواریخ، ۱/۵۲۵.

<sup>۵</sup> فرمانفرمایان، زیر نگاه پدر (خاطرات مهرماه فرمانفرمایان از اندرونی)، ۲۷.

<sup>۶</sup> خورموجی، نزهت الاخبار، ۱۱۲.

نبود. وی برای رهایی از عداوت محمدشاه قریب به دوازده سال به کرمان رفت و تنها با مرگ وی بود که توانست خود را به ناصرالدین شاه معرفی کند و لذا با وجود داشتن جایگاه مهم در حکومت ناصرالدین شاه، دیگر یک منصوب بود تا اینکه یک شاهزاده با اختیارات بیشتر در قیاس با پدرش به شمار آید.

تاکنون تحقیقی مستقل درباره این موضوع صورت نگرفته است ولی با مضامین مشابه در ارتباط با محمدعلی میرزا دولتشاه و عمادالدوله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اردشیر کشاورز (۱۳۹۵) در کتاب زندگی و زمانه محمدعلی میرزای دولتشاه به موارد مهمی از زندگی دولتشاه پرداخته است. با این وصف چنین اثر قطوری بیشتر رویکرد توصیفی دارد و درباره اقدامات فرهنگی محمدعلی میرزا بسیار کم و محدود و بطور کلی به مسئله اشاره کرده است.

کشاورز، اردشیر (۱۴۰۰) در کتاب زندگی و زمانه امامقلی میرزای عمادالدوله، به زندگی عمادالدوله پرداخته است. نویسنده در کنار اثر با ارزشی که نگاشته است، محوریت موضوع در وقایع سیاسی بوده است. این اثر بیشتر بر شخصیت عمادالدوله تمرکز داشته است با توجه به اینکه نویسنده در دو کتاب ذکر شده نظری مساعد و موافق با دولتشاه و عمادالدوله داشته است و لذا و فاقد دیدگاهی منقدانه نسبت به اقدامات این شخصیتها بوده است و از ایشان دفاع کرده است.

مقاله «اقدامات امنیتی-انتظامی محمدعلی میرزا دولتشاه در غرب کشور» (آقازاده، خوش آب و حسینی، ۱۴۰۰: ۵۰-۲۵). با اشاره به رقابت میان دولتشاه و عباس میرزا بر آنست که حکمرانی در غرب کشور به مرکزیت کرمانشاه فرصت مغتنمی را در اختیار محمدعلی میرزا قرار داد و او با اقدامات امنیتی و نظامی متعدد، خود را به یکی از قدرتمندترین شاهزادگان غرب کشور و رقیب جدی عباس میرزا تبدیل کرد و با اقدامات داخلی و خارجی متعدد در پی تبدیل حاکمیت کرمانشاهان به حاکمیت سرتاسر ایران بود (همان: ۴۳-۴۲). محوریت موضوع مقاله یادشده اقدامات امنیتی و نظامی محمدعلی میرزا می باشد و لذا به سایر اقدامات وی در زمینه های مختلف و همچنین اقدامات عمادالدوله توجهی نداشته است.

مقاله «خاندان دولتشاهی در مواجهه با عثمانی» (خاکسار بلداجی و کجباف، ۱۳۹۴: ۸۰-۵۷). صرفاً به نقش مهم دولتشاه در مقابله با دولت عثمانی پرداخته است و می نویسد حضور قدرتمند دولتشاه در اوج نبردها میان ایران و عثمانی و درست در هنگامه نبرد با روسیه باعث شد خاطر دربار از بابت مرزهای غربی آسوده باشد. بنابراین کارکرد نظامی و سیاسی محمدعلی میرزا دولتشاه مورد توجه مقاله بوده است.

### ۳. محمدعلی میرزا دولتشاه

یکی از موفقیت‌ها و یا امتیازات مهم فتحعلی شاه قاجار داشتن فرزندان زیادی بود که توانست به کمک آنها حکومت خود را در مناطق مختلف ایران زمین تثبیت و تداوم بخشد و لذا شاهزادگان قدرت و استقلال کافی در مناطق تحت اختیار خود داشتند. فتحعلی شاه، محمدعلی میرزا دولت‌شاه را که از عباس میرزا بزرگتر بود به عنوان حکمران غرب ایران منصوب کرد.

یکی از تفاوت‌های مهم محمدعلی میرزا با سایر برادرانش در تقابل با عباس میرزا، آن بود که محمدعلی میرزا خود را ولیعهد برحق پدرش فتحعلیشاه تصور می‌کرد و چنین تصویری از همان اوان کودکی در وی شکل گرفته بود. در این باره روایتی ذکر شده است که آقامحمدخان قاجار یک شمشیر کهنه را به محمدعلی میرزا داد و از او پرسید که چگونه با این سن کم می‌خواهی از این شمشیر استفاده کنی؟ محمدعلی میرزا در همان کودکی در جواب گفت می‌خواهم در آینده با آن سرت را از تنت جدا کنم و برادرم عباس میرزا را به قتل برسانم چون شما به من ظلم کردید و او را در مقام ولیعهدی بر من ترجیح دادید! آقا محمدخان دستور داد که او را بکشند که با پادرمیانی اطرافیان بخشیده شد.<sup>۷</sup> مورخان دلیل عمده ترجیح عباس میرزا به محمدعلی میرزا را در تفاوت میان نسب مادری آن دو نفر ذکر کرده‌اند. مادر عباس میرزا از قاجاریه بود در حالی که مادر محمدعلی میرزا یک کنیز گرجی بود.<sup>۸</sup>

برخی مورخان سرآغاز حضور محمدعلی میرزا در کرمانشاه را به گرایشات امرای کُرد بابان در سلیمانیه به دولت قاجاریه می‌دانند. حکمرانان سلیمانیه و شهرزور را حکمران بغداد با موافقت ایران برمی‌گزید. در سال ۱۲۲۱ ق. که عبدالرحمن پاشا بابان بجای ابراهیم پاشا نشست، علی پاشا حکمران بغداد او را از شهرزور بیرون کرد. مخالفت حکمران بغداد با درخواست فتحعلی شاه مبنی بر تایید حکمرانی عبدالرحمن پاشا موجب جنگ میان عثمانی و ایران شد و فرماندهی این جنگ با محمدعلی میرزا دولت‌شاه بود.<sup>۹</sup>

#### ۴. امامقلی میرزا عمادالدوله

برخی محققان بر آنند که امیرکبیر، امرای زنگنه را بر شاهزادگان قاجار ترجیح می‌داد و لذا تا زمانی که وی بر منصب قدرت بود، عمادالدوله نتوانست حاکمیت کرمانشاه را بدست آورد و این اتفاق پس از به قتل رسیدن امیرکبیر رخ داد و برای تایید گفته‌های خویش به ارتباط حسنه عمادالدوله با مهدعلیا و میرزا آقاخان نوری اشاره می‌کنند و یا از انتصاب پدر امیرکبیر به جغرافیای کرمانشاهان و رابطه نزدیک وی با امرای متنفذ زنگنه بحث کرده‌اند.<sup>۱۰</sup> سپهر ذکر کرده است که عمادالدوله در تهنیت خلع امیرکبیر و انتصاب میرزا آقاخان نوری یک دوبیتی به زبان عربی سروده است.<sup>۱۱</sup>

<sup>۷</sup> عضدالدوله، تاریخ عضدی، ۱۴۱.

<sup>۸</sup> سپهر، ناسخ التواریخ، ۱/۵۴۴؛ خاوری، تاریخ ذوالقرنین، ۳/۹۷۳.

<sup>۹</sup> هدایت، روضه الصفاى ناصری، ۷۶۳۰-۷۶۲۷.

<sup>۱۰</sup> سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ۵/۴/۳۳۸.

<sup>۱۱</sup> سپهر، ناسخ التواریخ، ۳/۱۱۵۸.

«میرزا تقیخان امیر نظام پدرش از معاریف الناس و در خدمات میرزا ابو القاسم قائم مقام اجتماع حواس معروف میداشت چون قائم مقام در ناصیه میرزا تقیخان آثار رشد و شمائل شهابی تفرّس کرد آنرا در عداد نویسندگان خویش معدود نمود و از آن پس چندی در سلك محرّرين محمد خان زنگنه امیر نظام منسلک گردید بسبب جوهر ذاتی و کاردانی بانديك مدت از امثال و اقران خویش قصب السبق ربهوده بمناصب عالیه رسید مستوفی نظام شد»<sup>۱۲</sup> (کرمانی، ۱۳۷۸: ۱/۵۰).

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۸ ق با عزل اسکندر خان، عماد الدوله را جانشین وی ساخت. این شخص حکومتی خردمندانه و عادلانه برقرار کرد. بازرگانی و صنعت شهر را رونق و ایالت را از قید مالیات‌های سخت و بی‌مورد رهایی بخشید.<sup>۱۳</sup> عمادالدوله تا سال ۱۲۸۸ ق حاکمیت خود بر کرمانشاهان را حفظ کرد. وی در مسافرت اول ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۹۰ ق حضور داشت و پس از بازگشتن به ایران، از طرف ناصرالدین شاه به‌عنوان وزیر عدلیه در هیئت وزیران شش نفره انتخاب شد.<sup>۱۴</sup> عمادالدوله تا اوائل ۱۲۹۱ ق در سمت مزبور باقی بود. در این سال دوباره بسمت حکومت کرمانشاه و کردستان منصوب و روانه شد. در سال ۱۲۹۲ ق عمادالدوله درگذشت و حشمت السلطنه با دادن پیشکشی بجای پدر خود بحکومت کردستان و کرمانشاه منصوب گردید.<sup>۱۵</sup>

مستوفی درباره میزان علاقه عمادالدوله به حاکمیت کرمانشاه و ترجیح دادن آن به وزارت نوشته است: «عمادالدوله که هر وقت می‌خواست، پای خود را به سمت کرمانشاهان دراز می‌کند و جز پا کشیدن در عمادیه و استفاده از ضیاع و عقاری که خود و پدرش محمدعلی میرزا دولت‌شاه در آنجا دست‌وپا کرده‌اند، فکری ندارد. علاقه‌ای به این مجلس نشان نمی‌دهد، تا چه رسد به مسئولیت مشترک. بعد از دو سه ماه، عمادالدوله به مقصود خود رسید و به حکومت کرمانشاهان و کردستان امور گشت و هیئت شش نفری، پنج نفری شد».<sup>۱۶</sup>

## ۵. اقدامات فرهنگی و مذهبی دولت‌شاه و عمادالدوله

قلوبهم نفوساً و افساناً فی الـدهور  
تراجعت القلوب الـی الصـدور

و من كانت عن صدر الناس حزناً  
و لمّا صـورت بالاقبال صـدرا

<sup>۱۲</sup> کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ۱/۵۰.

<sup>۱۳</sup> . بایندر، کردستان بین النهرین و ایران، ۴۰۱.

<sup>۱۴</sup> . اعتماد السلطنه، مرات البلدان، ۱/۴۰.

<sup>۱۵</sup> . اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ۳/۱۹۵۸.

<sup>۱۶</sup> . مستوفی، شرح زندگانی من، ۱۳۵-۱/۱۳۴.

روی کار آمدن دولت‌شاه تغییراتی بنیادی در ساختار اجتماعی و کرایشات فرهنگی و مذهبی کرمانشاه پدید آورد. اولین پیامد حضور دولت‌شاه و فرزندانش کنار زده شدن حاکمیت بومی بود که از دوره صفویه تاکنون در اختیار خاندان زنگنه بود.

از اواسط دوره شاه عباس اول بود که سران ایل زنگنه توانستند با درایت خود و با بسط نفوذ در دربار شاهان صفوی زمینه‌های قدرت‌گیری خود و خاندانشان را فراهم آوردند.<sup>۱۷</sup> اولین شخصیتی که از ایل زنگنه در تاریخ دوره صفویه ظهور نموده علی بیگ، مشهور به آلی بالی بیگ زنگنه است.<sup>۱۸</sup> در عهد شاه عباس دوم شیخ علی خان زنگنه جایگاه والایی داشت. شاه عباس دوم در باب صحت و سقم شایعات مربوط به گرایشات سلیمان خان اردلان از شیخ علی خان زنگنه مشاورت خواست.<sup>۱۹</sup> برای اولین بار در عهد شاه صفی، شاه‌رخ بیگ زنگنه فرزند آلی بالی زنگنه به حکومت قسمتی از کرمانشاه منصوب شد: «هم در آن اوقات ایالت الکای سنقر و توابع و حکومت ایل کلهر به شاه‌رخ بیگ امیر آخورباشی پسر اکبر علی بیگ زنگنه مشهور به علی بالی بیگ مفوض و مرجوع و منصب ارجمند امیر آخورباشی‌گری نخستین پله سلم بلند پایه ترقیات گوناگون شیخ علی بیگ برادر کهنتر وی گردید.»<sup>۲۰</sup> در سال ۱۰۵۰ ق با مرگ شاه‌رخ بیگ زنگنه، برادرش به جای وی منصوب شد.<sup>۲۱</sup> شیخ علی خان زنگنه که سال ۱۰۴۹ به جای برادرش به حکومت کرمانشاهان رسید تا سال ۱۰۷۹ که به مقام وزارت اعظمی شاه سلیمان رسید حاکم کرمانشاه بود.

کمپفر آلمانی که معاصر با شاه سلیمان بود بخوبی حضور قوی کردان زنگنه را توصیف کرده است: «شیخ علی خان زنگنه از نژاد کرد است و به طایفه زنگنه تعلق دارد... او بهترین مشاغل دولتی را به خویشان خود سپرده است. از دو تن برادر وی که اکنون درگذشته اند برادر بزرگتر میر آخور باشی و دیگری بیگلربیگی قندهار بود. از دو پسر او که هر دو جوانمرگ شدند یکی داروغه قزوین و دیگری حاکم کرمانشاه بود و برادرزاده او حاجی علی خان، بیگلربیگی آذربایجان را دارد. بدون اینکه وارد جزئیات امر شوم در اینجا فقط یادآور می‌شوم که قسمت اعظم اداره امور مملکت در دست طایفه ای متمرکز شده که وزیر اعظم بدان منسوب است. شان و شوکت این خاندان اکنون به پایه حشمت و سطوت شخص پادشاه می‌رسد.»<sup>۲۲</sup>

در دوران ضعف و فتور دولت صفوی، ایالت کرمانشاه به یمن وجود خاندان زنگنه که در دربار صفویان نفوذ پیدا کرده بودند و کرمانشاه تیول این خاندان محسوب می‌شد و همچنین صلح میان ایران و عثمانی با عهدنامه ذهاب در سال ۱۰۴۹ ق که مهر

<sup>۱۷</sup> نوری، اوضاع سیاسی کرمانشاه در عصر صفویه با تکیه بر ایل زنگنه، ۴۶.

<sup>۱۸</sup> سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ۶۵۴.

<sup>۱۹</sup> واله قزوینی، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، ۵۹۳.

<sup>۲۰</sup> همان، ۲۸۲.

<sup>۲۱</sup> وحید قزوینی، تاریخ جهان‌آرای عباسی، ۳۰۱.

<sup>۲۲</sup> کمپفر، سفرنامه کمپفر به ایران، ۸۳.

پایانی بر درگیریهای همیشگی میان دو دشمن متخاصم بود، باعث شد کرمانشاه روی آبادانی و ترقی پیشرفت را در خود ببیند و در مجموع این ایالت دورانی را با آرامش و ترقی طی بکند.<sup>۲۳</sup>

محققان و مورخان از قرابت کریم خان زند با ایل زنگنه نوشته اند. کریم خان وکیل که بروایت معمرین ایل از مادری زنگنه متولد گردید و قلعه پری در کنار کمازان زیستگاه طوایف زنگنه ملایر بود و دایی او اسحاق خان زنگنه نام داشت.<sup>۲۴</sup> قرابت و نزدیکی زنگنه و زند به حدی است که برخی محققان کریم خان زند را زنگنه دانسته اند.<sup>۲۵</sup> در دوره کریم خان زند، حاکم کرمانشاه الله قلیخان زنگنه بود.<sup>۲۶</sup> کریم خان بقرب نودهزار خانوار از ایلات بختیاری و زنگنه و وند و لیلای و سایر فرق را در بیرون شهر شیراز و محالات قریبه سکنی داد جوانان آن طایفه را در سلک نوکران جاداد.<sup>۲۷</sup>

با توجه به مطالب ذکر شده لاجرم آقامحمدخان قاجار نیز که در مقابل حکومت زندیه بود، حکومت خاندان زنگنه را برنمی تابید. در دوره کوتاه مدت آقا محمدخان، نفوذ و حمایت آقا محمدعلی مجتهد باعث تداوم حاکمیت حاج علی خان زنگنه و جانشین او، مصطفی قلی خان زنگنه شد.<sup>۲۸</sup> لکن عدم حمایت آقامحمدعلی مجتهد و توصیه او مبنی بر برکناری مصطفی قلیخان به فتحعلیشاه باعث برکناری وی شد.

علت این اختلاف مربوط به حضور معصومعلی شاه نعمت الهی در کرمانشاه بود. معصوم علیشاه توسط آقا محمدعلی به قتل رسید و مصطفی قلی خان مخالف این کار بود و خود از این قتل مبری کرد.<sup>۲۹</sup> آقامحمدعلی مجتهد از علمای نامدار آن زمان به شمار می آمد. سایه حضور آقا محمدعلی مجتهد بر حاکمان کرمانشاه سنگینی می کرد و پس از یکسال حاکم جدید نیز با نام محمد علی خان شامبیاتی از حکمرانی معزول شد.<sup>۳۰</sup> حاکم جدید این بار از دودمان قاجار منصوب شد و فتحعلی خان قاجار توانست از سال ۱۲۱۳.ق تا ۱۲۲۱.ق بر کرمانشاه حکمرانی کند و موفقیت این حاکم مرهون پذیرش بی چون و چرای امر و نهی آقا محمدعلی مجتهد بود. آقا محمدعلی مجتهد در همان دوران امارت فتحعلی خان به سال ۱۲۱۶.ق در کرمانشاه درگذشت.<sup>۳۱</sup>

تا قبل از روی کار آمدن دولتشاه، کرند مرز ایران و عثمانی بود چون بنا بر عهدنامه ذهاب مناطق مابین کرند تا خانقین به دولت عثمانی داده شد. ژان اوتر که در دوره نادرشاه از منطقه ذهاب عبور کرده و به کرمانشاه رفته بود می نویسد که کرند اولین شهر ایران است و لذا مشخص می شود که تا شهر یادشده در تابعیت دولت عثمانی و امارت کردهای باجلان بوده است: «... در ۱۶

۲۳. نوری، اوضاع سیاسی کرمانشاه در عصر صفویه با تکیه بر ایل زنگنه، ۴۷.

۲۴. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان (ایلات و طوایف)، ۶۵۹.

۲۵. آکوپف، کردان گوران و مساله کرد در ترکیه، ۸۴.

۲۶. غفاری، گلشن مراد (تاریخ زندیه)، ۳۲۰.

۲۷. گلستانه، مجمل التواریخ، ۳۴۲.

۲۸. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ۴/۲۸۴ و ۵.

۲۹. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ۴/۲۸۹ و ۵.

۳۰. بهبهانی، مرآت الاحوال جهان نما، ۱۵۸.

۳۱. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ۴/۲۹۰ و ۵.

ماه ژوئن به مدت دو ساعت کوه های سخت و بلند را پیمودیم و از آن پس چهار ساعت راه رفتیم، تا به کرند رسیدیم. این شهر نخستین آسایشگاه ما در ایران بود.<sup>۳۲</sup>

بعد از مرگ شاه عباس و در دوره شاه صفی و سلطان مراد چهارم بود که پاشانشین ذهاب با تابعیت دولت عثمانی و از خانقین و قصرشیرین تا منطقه کرند گسترده بود. منطقه ذهاب بعد از آنکه سلطان مرادخان رابع بغداد را گرفت، به ایالت بغداد ملحق شد و ذهاب توسط سلطان مراد چهارم به ابدال بیک باجلان داده شد (گزیده اسنادسیاسی ایران و عثمانی، ۷۵۷-۷۵۴: ۱/۱۳۶۹). جیمز باکینگهام که در سال ۱۸۱۸ م/۱۲۳۳ ق از منطقه ذهاب عبور کرده است چنین نوشته است که حاکم شهر «فتح پاشا» که خود از کردها است - می باشد و او کل منطقه باجلان - که قسمت عمده جنوب کردستان را تشکیل می دهد - را اداره می کند و همه کردهای مناطق همسایه تابع قدرت او هستند، در حالی که او در این لحظه تابع دولت بغداد بود، با وجود اینکه قبلاً مدتها تحت فرمانروایی ایران بوده است.<sup>۳۳</sup>

کردان اهل سنت باجلان، خانقین تا مرز کرند را در اختیار داشتند و لذا به پشتوانه حکومت عثمانی نفوذ زیادی در میان قبایل کرد پیرامون از جمله جاف، کلهر و گوران داشتند و بر این اساس حضور محمدعلی میرزا دولتشاه به حضور تاثیرگذار اهل سنت در آن جغرافیا پایان داد و حتی میدان سیاست خویش را انسوی مرزها و به جانب کردان بابان در سلیمانیه رساند و والیان بغداد را نیز تحت فشار قرار داد و در واقع این کار توانست بستر مناسبی برای گسترش تشیع در میان کردان اهل سنت و اهل حق فراهم کند.

هرچند کردان زنگنه بر مذهب شیعه بودند لکن وجه تمایز آنها در قیاس با محمدعلی میرزا و فرزندان او استفاده از روحانیت شیعه بومی بود به عنوان مثال خاندان کرد جلیلی کرکوک از نخستین خاندانی بودند که به عنوان عالمان شیعه در همان دوران صفوی وارد جغرافیای کرمانشاهان شدند. در زمان حکومت بلند مدت فرزندان شیخ علیخان زنگنه صدراعظم شاه سلیمان صفوی، روند آبادانی کرمانشاهان تسریع شده و زمینه جلب خاندان های بیشتری از خوانین و بزرگان ایل زنگنه از کردستان عراق را فراهم نمود.<sup>۳۴</sup> جد اعلائی این خاندان مرحوم آیت الله آخوند ملا عبد الجلیل بن عبد الخلیل زنگنه کرکوک بوده که برای تحصیل علوم دینی و معارف اسلامی در عنفوان جوانی از کرکوک واقع در شمال عراق عرب به کربلاء معلی مهاجرت نموده و سالهای متمادی در از محضر اساتید بزرگ شیعه استفاده کامل برده بود.<sup>۳۵</sup> ملا عبدالجلیل در سال ۱۱۸۵ ق با حمایت حکام و خوانین ایل زنگنه - که در این زمان برای راضی نگاه داشتن پادشاهان ایران از حکومت خود بر کرمانشاه، به تشیع تظاهر

<sup>۳۲</sup> . اوتر، سفرنامه ژان اوتر، ۷۰.

<sup>۳۳</sup> . بکنغهام، رحلتی الی العراق، ۲/۲۳۹.

<sup>۳۴</sup> . کشاورز، زندگان عرصه عشق، ۸۹-۸۶؛ عظیمی، تاریخ تشیع در کردستان، ۳۵۷.

<sup>۳۵</sup> . سلطانی، تاریخ تشیع در کرمانشاه، ۱۲۹.



می‌کردند- در محله فیض آباد کرمانشاه، اولین مسجد شهر را بنا کردند. ملا عبدالجلیل در ایام پیری اداره مسجد را به آقامحمدعلی بهبهانی سپرد که خود مدتها نزد پدرش در کربلا تلمذ کرده بود.<sup>۳۶</sup>

با روی کار آمدن محمدعلی میرزا دولتشاه روحانیت شیعه از جغرافیای پهناور ایران زمین از قومیت های غیر از کرد وارد کرمانشاه شده و در این شهر ساکن گشتند. یکی از اقدامات مهم مذهبی دولتشاه و فرزندانش حمایت از روحانی نامدار شیعه و فرزندانش بود. آقامحمد علی کرمانشاهی مجتهد معروف چند سال قبل از حکومت دولتشاه وارد کرمانشاه شده بود و فرزندانش به آل آقا مشهور بودند. آنان نقش زیادی در کمزنگ نمودن حضور اهل حق در شهر کرمانشاه و یا تغییر مذهب آنان به تشیع داشتند. برخوردارهای تند با یهودیان و مسیحیان و حتی اهل تسنن از دیگر اقدامات خانواده آل آقا در کرمانشاه است.<sup>۳۷</sup>

درباره تغییر نگرش مذهبی مردم کرمانشاه نسبت به خارجیان گروهی نوشته است: «یکی از خارجیان از روحیات مردم کرمانشاه در مواجهه با خارجیان چنین نوشته است:» در یکی از این بازارها شاهد رفتار تعصب آمیز یک دکاندار بودم. آشپز یونانیم که برای ادامه سفرمان مشغول خرید آذوقه بود، به کله قندهای جلو مغازه دست زد و کاغذ آبی رنگشان را باز کرد تا از خوبی قندها اطمینان حاصل کند. صاحب مغازه خشمگین شد و با عصبانیت از او خواست که تمام کله قندها را بخرد زیرا در اثر تماس با دستهای او که یک «فرنگی» است، نجس شده اند و دیگر نمی توان آنها را به هیچ مسلمان مؤمنی فروخت. بر اثر مشاجره این دو، بعد از مدتی، عده ای کنجکاو جلوی مغازه جمع شدند. خدمتکار یونانیم که به برتری هوشش اطمینان داشت، رفتار غیرمنطقی ایرانیها را به رخشان کشید و گفت: «اگر تماس دست یک فرنگی قندها را کثیف می کند، پس شما اصلا نباید قند بخورید، زیرا تمام قندهائی که در بازارها پتان به فروش می رسد، توسط فرنگیها تولید شده است!» بجای جواب قانع کننده چند مشت به پهلویش زدند. سرانجام موفق به میانجیگری شدم و خدمتکارم را از نوش جان کردن کتکی مفصل نجات دادم»<sup>۳۸</sup>

سردار مقتدر سنجابی نیز در این رابطه می نویسد: «مذهب قاطبه ایل سنجابی اهل حق بود. وی می نویسد خانواده ما و بعضی از تیره های دیگر پیرو مذهب شیعه می شوند و این امر از زمان جدم مرحوم حسن خان و پدرم مرحوم شیرمحمدخان صمصام الممالک صورت گرفته است. موجبات آن از طرفی ارتباط دائم با مردم شهر و دوستی با خاندان آل آقا، فرزندان مرحوم محمدباقر بهبهانی و وصلت با خانواده شاهزاده ها و از طرف دیگر مسئولیت ممتد حکومت و سرحداری و خدمت به زوار و برپا داشتن مراسم تعزیت عاشورا بوده است».<sup>۳۹</sup>

<sup>۳۶</sup> . سلطانی، تاریخ تشیع در کرمانشاه، ۱۳۰؛ عظیمی، تاریخ تشیع در کردستان، ۳۵۷.

<sup>۳۷</sup> آقا احمد بهبهانی اهتمام خاصی در گرایش سایر مذاهب اسلامی و اقلیتهای دینی به تشیع داشت به عنوان مثال وی درباره آقاجانی خان مکرری نوشته بود: «عالیجاه شوکت دستگاه محب خاندان رسالت و غلام با اخلاص شاه ولایت آقاجانی خان مکرری که به یمن انفاس قدسیه... از طریق اهل تسنن دست بردار شده مذهب حق اثنا عشریه را اختیار نموده...» (بهبهانی، ۱۳۶۲: ۱۸۴).؛ گروه، سفرنامه گروه، ۹۶ و ۳۰۷-۱۸۰۰، KERMANSHAH City & Province floor.

<sup>۳۸</sup> گروه، سفرنامه گروه، ۹۶.

<sup>۳۹</sup> .سنجابی، ایل سنجابی و مجاهدات ملی ایران(خاطرات سردار مقتدر سنجابی)، ۴۳.

از شخصیت های مهم مذهبی که در دوران حکومت محمدعلی میرزا دولت‌شاه در کرمانشاه حضور داشت، شیخ احمد احسایی بود. شیخ احمد احسایی بنیان‌گذار طریقه شیخیه و از شیعیان بحرین بود. وی در رجب ۱۲۲۹ ق به هنگام عزیمت به عتبات در کرمانشاه مورد استقبال محمدعلی میرزا قرار گرفت و دوسال در کرمانشاه ماندگار شد. در سال ۱۲۳۴ ق که از حجاز و عراق بازمی‌گشت بار دیگر در کرمانشاه توقف کرد و تا زمان مرگ محمدعلی میرزا در این شهر ماند و از آن پس به مشهد، قم و اصفهان رفت. محمدعلی میرزا علاقه زیادی به شیخ احمد داشت و یک مستمری سالانه به مبلغ هفتصد تومان به شیخ احمد هدیه کرد.<sup>۴۰</sup> او تا زمان مرگ دولت‌شاه در سال ۱۸۲۱ م تحت حمایت مالی شاهزاده بود و در کرمانشاه تدریس می‌کرد. بسیاری از علما از اقصی نقاط جهان تشیع برای تحصیل نزد شیخ احمد آمدند و تعالیم او مورد حمایت گسترده قرار گرفت.<sup>۴۱</sup> میرزا اسماعیل سمنانی در دوره حکومت محمدعلی میرزا دولت‌شاه به کرمانشاه آمد و ماندگار شد. ایشان نیای خاندان نجومی در کرمانشاه می‌باشند.<sup>۴۲</sup> دولت‌شاه برای فرزندان خویش از آقا سید ابراهیم (فرزند سید محمد باقر موسوی از عالمان نامور عهد خویش) کمک گرفت.<sup>۴۳</sup> در واقع می‌توان گفت ورود دهها عالم شیعی غیر کرمانشاهی به کرمانشاه بخشی از سیاست دولت‌شاه و فرزندان او برای ایجاد طبقات حامی خود در برابر ایلات قدرتمند کرد.

مهمترین جلوه های دینداری محمدعلی میرزا را می‌توان در ساخت مساجد مشاهده کرد. دو مسجد مهم و باشکوه دولت‌شاه و شاهزاده همچنان در شهر کرمانشاه باقی مانده است.<sup>۴۴</sup> محمدعلی میرزا دولت‌شاه در سال ۱۲۳۶ ق نسبت به اجرای صیغه وقف مساجد مرسوم به مسجد شاه و مسجد دولت‌شاه و همچنین مسجد نواب از موقوفات همشیره اعیانی خود ام سلمه یا نواب عالیه در کرمانشاه عمل کرده است و نیز اقدام وی جهت تامین هزینه های مورد لزوم مساجد مذکور، مستغلات و دکانهایی را بر موارد مربوطه وقف، حمام، آب انبار، مدرسه طلاب علوم دینی در همین راستا در روستای سرتپه، حواشی تیمچه ملاعباسعلی و نزدیک عمارتهای دولتی دوازده گانه احدائی خود و سربازخانه که به عنوان خیرات و باقیات و صالحات مانده است، قابل توجه و با اهمیت است.<sup>۴۵</sup> از دیگر اقدامات مهم محمدعلی میرزا می‌توان ساخت کاروانسرا در مسیر راه زائران عتبات عالیات و همچنین تعمیر و مرمت و بنای گنبد حرم امام حسن عسکری (ع) اشاره کرد.<sup>۴۶</sup>

یکی از اقدامات مهم عمادالدوله ساخت مسجدی در مرکز شهر و بازار بود. ناصرالدین شاه در جریان سفر عتبات که از نزدیک مسجد را مشاهده کرده بود در توصیف آن نوشته بود: «مسجد عمادالدوله که تازه ساخته و بنای مرتفع دارد و ساعت بزرگ، برای

<sup>۴۰</sup>. تنکابنی، قصص العلماء، ۴۴.

<sup>۴۱</sup>. floor, KERMANSHAH City & Province 1800-1945, 293.

<sup>۴۲</sup>. سلطانی، تاریخ تشیع، ۴۹۲.

<sup>۴۳</sup>. تنکابنی، قصص العلماء، ۵.

<sup>۴۴</sup>. گلزاری، کرمانشاهان - کردستان، ۱۵۲.

<sup>۴۵</sup>. کشاورز، شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۳۱۲.

<sup>۴۶</sup>. ناصرالدین شاه، شهریار جاده‌ها سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات، ۱۶۵.

تعیین اوقات شبانه روزی نصب کرده است»<sup>۴۷</sup> بخشی از مسجد نیز به تدریس علوم دینی اختصاص پیدا کرد و در حال حاضر حوزه علمیه امام صادق (ع) نام دارد و قدیمی ترین مدرسه علوم دینی در کرمانشاه به شمار می آید. عمادالدوله مسجد و مدرسه را به همراه تعداد زیادی مغازه، جهت تامین مخارج آن وقف کرد.<sup>۴۸</sup>

در دوره امامقلی میرزای عمادالدوله، روحانیت به عنوان یک طبقه تاثیرگذار در جامعه کرمانشاه حضور خویش را تثبیت بخشیده بودند و به عنوان مثال در سال ۱۲۷۳ ق نقش مهمی در اعزام افواج نظامی عشایری کرمانشاه برای مقابله با انگلیسی ها ایفا کردند. با توجه به هجوم انگلیسی ها، آقا عبدالله کرمانشاهی و سایر مجتهدین ساکن کرمانشاه با صدور فتوایی امر به بسیج و اعزام نیروهای نظامی عشایری کرمانشاهان کردند.<sup>۴۹</sup> سیاستهای دینی دولت شاه و عمادالدوله ترویج و تبلیغ مذهب شیعه بود و در این راه روحانیون نامدار را به ورود و اقامت در کرمانشاه دعوت می کردند و هر کدام با ساخت مساجد و کلاسهای دینی بستر و زمینه مساعدی برای حضور موفق و تاثیرگذار روحانیت فراهم می کردند. عمادالدوله در دوران حکومت خویش با دستگیری ملا علی اصغر بابی و کشتن تیمور گورانی در قیاس با پدرش شدت و حدت بیشتری در برخورد با سایر گرایشهای دینی روزگار خویش در کرمانشاه داشت

شورش تیمورخان گوران یکی از مهمترین وقایع دوره عمادالدوله بود. بر طبق نوشته های لسان الملک سپهر مورخ دوره قاجاریه، مردی از گوران قلعه زنجیری با نام تیمور؛ خود را نایب امام زمان خواند و توانست جمعیت زیادی را دعوت کند و «وقت بود که مانند میرزا علی محمد باب خللی بزرگ در دین و دولت اندازد» امامقلی میرزا توانست با فرستادن گروهی از افراد خود توانستند که تیمورخان را در بند کشیده و بدون آگاهی طرفدارانش به کرمانشاه بیاورند و در نهایت توسط امامقلی میرزا کشته شد.<sup>۵۰</sup>

تیمور بانیرانی از مریدان آقا سید حیدر از منطقه گوران در کوهپایه دالاهو بود. وی نزد استادش به کمال می رسد و مدعی ظهور می گردد. کرامات و خوارق عادت فراوانی از آغاز ظهور تا زمان شهادت برای تیمور نقل می کنند.<sup>۵۱</sup> در واقع تیمور بانیرانی ارتباطی با مذهب بابیه نداشت و از بزرگان آیین یارسان بود که عمادالدوله با تهمت بابیه به سیاست کشانید و مجازات کرد.<sup>۵۲</sup>

برخی محققان برآنند که چون دو فوج گوران کردند و گوران قلعه زنجیری تقریباً بطور کامل و نیز بیشتر ایل سنجابی پیرو مذهب اهل حق بودند، مواجهه نظامی با شورش تیمورخان می توانست تبعات زیانباری برای حکومت داشته باشد. به همین خاطر

<sup>۴۷</sup> . ناصرالدین شاه، شهریار جاده ها سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات، ۶۰.

<sup>۴۸</sup> . عظیمی، تاریخ تشیع در کردستان، ۳۸۴.

<sup>۴۹</sup> . سپهر، ناسخ التواریخ، ۳/۱۴۰۷.

<sup>۵۰</sup> . سپهر، ناسخ التواریخ، ۳/۱۱۸۰.

<sup>۵۱</sup> . سلطانی، قیام و نهضت علویان زاگرس، ۲/۱۴۷.

<sup>۵۲</sup> . کشاورز، زندگی و زمانه ای امامقلی میرزای عمادالدوله، ۷۱.

عمادالدوله جماعتی از لشکریان قابل اعتمادش را بصورت مخفیانه به نزد تیمورخان فرستاد و آنها پیش از آگاهی مردم و طرفدارانش وی را در بند کرده و سپس به قتل رساندند.<sup>۵۳</sup>

منابع تاریخی به حضور ملا علی اصغر بابی در کرمانشاه اشاره کرده‌اند که از طرفداران میرزا علی محمد باب بود که « به اغوای مردم روز می گذاشت» این شخصیت با سیاست شاهزاده عمادالدوله بدون هیچ فتنه و خونریزی در غل و زنجیر کشیده به دارالخلافه تهران فرستاده شد.<sup>۵۴</sup>

از دیگر تمایزات دولت‌شاه و فرزندانش در قیاس با کردان زنگنه ورود شاعران نامداری از شهرهای مختلف ایران به کرمانشاه بود. در دوره زندیه شاعران نامداری همچون الماس خان کندوله ای، ملا محمد باقر کلیایی، خانای قبادی، ترکه میرآزاد بخت، زبونی زنگنه، گلشن زنگنه، محمدآقا زنگنه، امیراحمد زنگنه، نظیر زنگنه، ملک بیستون کندوله ای، ولی دیوانه، ملا ولدخان گوران، نامی کلهر، نجف کلهر حضور داشتند. در شعر این شاعران در میان قاطبه آنها که بر مذهب شیعه بودند، در کنار ارداتی که به ائمه شیعه (ع) بود و اشعاری که در رثای آنها سروده می شد، اغلب شعرها به زبان کردی سروده می شد و قالبی کردی بر آن حاکم بود و با وجود آنکه به زبان پارسی نیز می سرودند ولی اشعار کردی بیشتر بود و تا قبل از آن نیز محوریت ادبیات و اشعار کردی بر سروده های مذهبی یارسان بود.

در تایید آن می توان به عنوان نمونه به یکی از اشعار خانای قبادی اشاره کرد که البته در قلمرو کردان باجلان و بر مذهب سنت بود، اشاره کرد. وی در شعری آورده است که

جه لای عاقلان صاحب عه قل و دین	دانا بزورگان کوردستان زه مین
هه رچه ن مه و اچان فارسی شه که ره ن	کوردی جه شه که ره به ل شیرین ته ره ن
یه قینه ن جه ده ور دونه ای پر نه ندیش	هه رکه سه دلشاده ن وه زوان ویش <sup>۵۵</sup>

الماس خان که از شاعران نامدار و نیز سرداران نظامی سپاه نادر بود، شاهنامه کردی را سروده است و جنگنامه نادر از دیگر آثار وی می باشد. الماس خان آثارش را به زبان هورامی سروده است که در کنار آن از دیگر گویش های کردی همچون سورانی، کلهری و لکی استفاده کرده است. به عنوان مثال در یکی از اشعارش از رویارویی کردان باجلان با سپاه نادرشاه می نویسد:

شیران ئیران دل نه قه هر و قین	رشیان نه زه هاو ده ست و تیغ کین
وهو ته ور ژه زه هاو که ردشان ده مار	سه ر نه بان سه ر لار له بان لار

<sup>۵۳</sup> . مطلبی، ایلات کرمانشاهان و نقش آن‌ها در قشون ایران عصر قاجار، ۲۰۳.

<sup>۵۴</sup> . سپهر، ناسخ التواریخ، ۳/۱۱۷۹.

<sup>۵۵</sup> . خانای قبادی، شیرین و خوسره، ۱۴.

دهست که‌ردن وه دیل وه ورده و نه سیر  
مالا سه‌رو له‌ش چوین لاف هالآو  
توخم زی حه‌یات ژه به‌ر نه‌کردن  
لولوزاده شوور تورک ته‌ر دلان  
له‌رزان له‌رزانان زه‌پین زه‌نگولان<sup>۵۶</sup>

ده‌مای قه‌تل قه‌سین داوه‌ی دارگی‌ر  
جو جو جو جوش خوون خیزی‌ا ژه لافاو  
نیرانی ژه قه‌سین قه‌سه‌م ژه یوردن  
شیرین مه‌وه‌شان شوخ باجه‌لان  
وه‌خش والاپوش گوژین نه‌کولان

زبونی زنگنه<sup>۵۷</sup> با کلمات لکی و کلهری، گلشن زنگنه<sup>۵۸</sup> در کنار سرودن اشعاری به زبان پارسی به زبان کردی نیز سروده است:

خوراکم زوخاوا، برگم پوشاکن  
مردن و شترن لکی زندگانی<sup>۵۹</sup>

پاپوش پوس پا، سرینگام خاکن  
خدای لایزال تو ویت مزانی

با روی کار آمدن محمدعلی میرزا دولت‌شاه، یکی از اتفاقات مهم حضور شاعران پارسی زبان از شهرهای دیگر ایران زمین بود که کرد نبوده و به زبان پارسی می سرودند و در این میان شاعر بودن دولت‌شاه و اغلب فرزندان او یک امتیاز در جذب این شاعران به کرمانشاه بود. دولت‌شاه با وجود داشتن دغدغه‌های فراوان از توجه به علم و ادب غافل نبود و توانسته بود همچون پدرش فتحعلی شاه درباری با حضور شاعران و عالمان بیاراید. دولت‌شاه توانست با جذب برجستگان علم و ادب و شعر در کنار بازماندگان این اقشار از دوره خاندان زنگنه هسته اصلی بافت شهرنشین کرمانشاه را از مهاجرین مزبور و احیاناً شخصیت‌ها و خاندان‌های بومی که سابقه سکونت ممتد در این سامان داشتند، تشکیل دهد. در این باره می‌توان به خاندان‌های مغصوب دربار قاجاریه مانند بازماندگان حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله کلانتر شیرازی و میرزا مهدی خان استرآبادی اشاره کرد.<sup>۶۰</sup>

<sup>۵۶</sup>. باوه ر، میژووی میرایه‌تی باجه‌لان-مه‌لا محمه‌دی جوانرویی، ۴۹.

<sup>۵۷</sup>. سلطانی، حدیقه سلطانی، ۹۹.

<sup>۵۸</sup>. سلطانی، حدیقه سلطانی، ۱۴۹.

<sup>۵۹</sup>. سلطانی، حدیقه سلطانی، ۱۵۰.

<sup>۶۰</sup>. کشاورز، شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۵۲۱.

از شاعران مهم می‌توان به میرزا محمد -از خویشاوندان مهدی خان استرآبادی-، حاجی ملاحسن بسمل<sup>۶۱</sup>، میرزا عبدالباقی اصفهانی<sup>۶۲</sup>، طایر شیرازی<sup>۶۳</sup>، اقبال مازندرانی<sup>۶۴</sup>، الفت نوری-اهل نور مازندران-<sup>۶۵</sup>، الهامی کرمانشاهی-که اجدادش اصلاً از علمای بهبهانی بوده-<sup>۶۶</sup>، غوغای سوادکوهی<sup>۶۷</sup>، فروغی اصفهانی<sup>۶۸</sup> و غیره اشاره کرد.

## ۶. اقدامات اقتصادی دولت‌شاه و عمادالدوله

در دوره دولت‌شاه شهر کرمانشاه در سایه برقرار امنیت و فراهم کردن بستری مناسب برای تجارت جمعیت آن افزایش یافته و در نتیجه گسترش یافت. بناهایی که توسط وی ایجاد شد باعث شد که شهر کرمانشاه از لحاظ زیبایی با سایر شهرهای ایران برابری کند. مسجد دولت‌شاه که امروزه محل تحصیل طلاب علوم دینی می‌باشد<sup>۶۹</sup> و مسجد شازده<sup>۷۰</sup> از آثار ماندگار دولت‌شاه در رعایت حال مردم و زائران بوده است. دولت‌شاه برای ایجاد و تاسیس بناهای دولتی و مذهبی طی مذاکراتی با کردان شیخوند و رئیس آنها رجبعلی توانست موافقت آنها را جلب نماید و با تملک زمینهای آنها رقبات وقفی و بناهای دولتی و مذهبی بنا کند<sup>۷۱</sup>. گسترش امنیت در غرب یکی از اساسی‌ترین عوامل رشد تجارت در کرمانشاه بود و همین باعث ورود مهاجران از شهرهای مختلف ایران به کرمانشاه بود. کرمانشاهی از ادغام اقوامی که در این شهر استقرار یافته‌اند، به دنیا می‌آید: کردان، که تعدادشان زیاده‌تر است، بعد لرها، ترکان آذربایجانی، فارسی‌زبانان حکومت و تاجرهای بازاری، که از اصفهان، شیراز و تبریز به این شهر آمده‌اند.<sup>۷۲</sup>

تاجران با توجه به گرایش‌های مذهبی خویش، همواره یکی از بانیان برگزاری مراسم مختلف مذهبی و نیز ساخت تکایا و حسینیه‌ها بودند. چنین کارهایی زمینه همگرایی بیشتر ساکنان کرمانشاه با زائران شیعی را فراهم می‌کرد.<sup>۷۳</sup> از آنجا که کرمانشاه

<sup>۶۱</sup>. سلطانی، حدیقه سلطانی، ۳/۳۰۲.

<sup>۶۲</sup>. کشاورز، شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۵۲۵.

<sup>۶۳</sup>. کشاورز، شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۶۲۱.

<sup>۶۴</sup>. کشاورز، شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۶۳۶.

<sup>۶۵</sup>. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله، ۴۴۰.

<sup>۶۶</sup>. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله، ۴۴۰.

<sup>۶۷</sup>. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله، ۴۶۵.

<sup>۶۸</sup>. کشاورز، زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله، ۴۶۵.

<sup>۶۹</sup>. گلزاری، کرمانشاهان -کردستان، ۱۵۱.

<sup>۷۰</sup>. گلزاری، کرمانشاهان -کردستان، ۶۲۹.

<sup>۷۱</sup>. کشاورز، شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، ۲۱.

<sup>۷۲</sup>. اوین، ایران امروز، ۳۴۵.

<sup>۷۳</sup>. گروه، سفرنامه گروه، ۳۵۳.

در مرز با دولت عثمانی موقعیت مهمی در امر تجارت داشت، لذا تجار زیادی از شهرهای مختلف ایران در این شهر ساکن گشتند و برای همیشه در جغرافیای کرمانشاه باقی ماندند. در واقع محوریت اصلی تجارت کرمانشاه در دست تاجرانی بود که از شهرهایی مانند اصفهان، شیراز، تبریز، یزد و غیره آمده بودند.<sup>۷۴</sup>

با توجه به موقعیت جغرافیایی کرمانشاه و امنیتی که دولت‌شاه فراهم کرده بود، تجارت گسترش یافت و چنین بستری موجب روی آوردن افراد مهمی به این شهر شد. خاندان سادات که ساکن بغداد بودند از این افراد می‌باشند. بزرگ این خاندان سید اسماعیل بن سید یس بود که با چهار پسرش در دوره دولت‌شاه وارد کرمانشاه شدند و توانستند حوزه تجارت خویش را از همدان تا بغداد بگسترانند و در سایه نفوذ و قدرتی که بدست آوردند در کرمانشاه مورد احترام دولتی ایران و عثمانی بودند.<sup>۷۵</sup> (غیرت، ۱۳۷۷: ۱۷-۲۳). خاندان وکیل الدوله نیز که تحت حمایت دولت انگلیس بودند از دیگر خاندانی بودند که با ورود به کرمانشاه حوزه تجارت خود را گسترش دادند.<sup>۷۶</sup>

آنچه که درباره اقدامات عمادالدوله در کرمانشاه، در متون تاریخی ثبت شده است بیشتر بخاطر مسافرت‌های ناصرالدین شاه به عتبات عالیات و نیز برخی خارجی‌ها در جغرافیای کرمانشاه است که به توصیف اوضاع اجتماعی، فرهنگی، دینی و اقتصادی آن توجه کرده‌اند. «عمادالدوله به فرمانداری خردمند و عادل شهرت داشت. او تجارت و صنعت شهر را رونق بخشید و مالیات‌های سنگین را در استان کاهش داد».<sup>۷۷</sup> در سال ۱۲۶۶ ق. به وجود شانزده کاروانسرا در راه‌های کرمانشاه به عتبات اشاره شده است که در تمام سال همواره در خدمت مسافران و زائران بود. البته بخش دیگری از افراد را تاجران مطرح تشکیل می‌داد که اغلب کالاهای انگلیسی را خرید و فروش می‌کردند.<sup>۷۸</sup>

از تمایز مهم دوره دولت‌شاه با عمادالدوله می‌توان گفت محوریت اقدامات دولت‌شاه روابط خارجی و جنگ‌ها و تنش‌های ایران با عثمانی بود و با توجه به جنگ‌های ایران و روس، دولت عثمانی می‌خواست از موقعیت ضعیف ایران در مرزهای خویش از جمله در کرمانشاه بیشترین استفاده را ببرد، لکن حضور محمدعلی میرزا دولت‌شاه سد راه سیاست‌های آنها شد. پس از مرگ دولت‌شاه و انجام دو معاهده ارزنه الروم، در دوره عمادالدوله تنش‌های دولتی ایران و عثمانی پایان یافته بود و لذا آنچه که در دوره عمادالدوله نمود پررنگی داشت، تمردهای داخلی در ولایات تحت امر عمادالدوله بود.

دکتر ویلز کرمانشاه دوره عمادالدوله را بصورت زیر توصیف کرده است: «بنظر من شهر خوش آب و هوا و پر نعمت کرمانشاه از لحاظ قیمت ارزاق و خوراکی ارزانترین شهر ایران می‌باشد... شاهزاده [عمادالدوله] مقتدر و عموی «ناصرالدین شاه» مردی

<sup>۷۴</sup>. گروه، سفرنامه گروه، ۱۹۱.

<sup>۷۵</sup>. غیرت،

<sup>۷۶</sup>. کشاورز، زندگان عرصه عشق، ۸۲۵.

<sup>۷۷</sup>. floor, KERMANSHAH City & Province 1800-1945, 300.

<sup>۷۸</sup>. اعتمادالسلطنه، مرات البلدان، ۲/۱۶۶۴.

فوق العاده ثروتمند در عین حال حاکمی مقتدر ولایق بود که مردم کرمانشاه لیاقت او در نحوه اداره و امنیت منطقه را دوست داشتند ولی با این وجود ثروت زیاد و وجود اختلاف طبقاتی بین او عوام الناس مانع نزدیکی کامل و احساس صمیمیت واقعی بین او و مردم می گردید.<sup>۷۹</sup> دیب الممالک نیز که در دوره عمادالدوله از کرمانشاه دیدن کرده بود، نوشته بود که کسی شهری پر نعمت تر از کرمانشاه سراغ ندارد.<sup>۸۰</sup>

۱

## نتیجه گیری

کرمانشاه به میدانی برای ابراز وجود و نشان دادن شایستگی محمدعلی میرزا دولتشاه در تقابل با برادرش عباس میرزای ولیعهد بود. دولتشاه از نظر سیاسی در گام اول با حذف خاندان زنگنه از حکمرانی کرمانشاه - که از دوره صفویه در اختیار داشتند - با ورود و ورود شاهزادگان قاجار، روحانیان و تاجران از قومیت های مختلف زمینه تغییر بافت اجتماعی کرمانشاه از اکثریت کردی را فراهم کرد. تصرف زهاب و حذف پاشانشین زهاب که با مذهب اهل سنت تابع عثمانی بود، دومین اقدام مهم وی بود. محمدعلی میرزا در مقابله با دولت عثمانی توانست پس از سال ها نفوذ ایران را به نواحی غربی تر ببرد و زهاب را دوباره به قلمرو ایران الحاق کند و در ادامه با حمایت از کردان بابان بالاخص عبدالرحمن پاشا بابان نفوذ و تسلط کافی بر پاشاهای بغداد داشته باشد. دولتشاه از نظر دینی به عنوان یک حاکم متشرع، رابطه نزدیکی با روحانیت شیعه برقرار کرد و امید داشت چنین وجهی از شخصیت وی نمود قویتری در قیاس با اقدامات عباس میرزا دانست که توسط عده ای زیادی از قشر روحانیت مورد انتقاد قرار گرفته بود. در ادامه ساخت مساجد، کاروانسراها و تمهیداتی جهت رفاه حال زائران عتبات همگی محوریت مذهبی داشت و در نهایت امنیتی که در منطقه برقرار ساخت موجب حضور روحانیت در کرمانشاه و نیز روی آوردن عده زیادی از تاجران نامدار سایر شهرهای ایران به کرمانشاه شد. اقدامات دولتشاه در جهت ساخت بازارها باعث رشد توسعه اقتصادی در شهر نیز گشت.

<sup>۷۹</sup>. ویلز، ایران در یک قرن پیش، ۱۵۰.

<sup>۸۰</sup>. ادیب الممالک، سفرنامه ادیب الممالک به عتبات، ۵۷.



با توجه به اینکه عمادالدوله در قیاس با پدرش از نظر سیاسی جایگاهی پایین تر داشت، لذا دامنه اختیارات وی محدودتر بود. با توجه به معاهده ارزنه الروم و کاهش تنش ها اقدامات عمادالدوله به اوضاع داخلی کرمانشاه محدود شده است. عمادالدوله توانست ایلات متمرکز را سرکوب کند و در مقابل آنها را تحت عنوان افواج بومی وارد ساختار نظامی حکومت خویش کند. سیاست مذهبی عمادالدوله نیز تابعی از اوامر دارالخلافه در تهران به مقابله با اهل حق و گرایشات بابیه بود و وی در تقابل با آنها و رهبران اهل حق با خشونت و بدون اغماض برخورد کرد. ساخت مساجد و مدارس دینی توانست به حضور تاثیرگذار روحانیت شیعه تداوم بخشد و در نهایت در واقع محوریت اقدامات عمادالدوله در ساخت کاروانسرا و گسترش بازار موجب گسترش روابط تجاری شد.

## منابع و مآخذ

آوری، پیتر؛ همیلی، گاوین و چارلز ملویل. تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار (مجموعه تاریخ کمبریج). ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۴.

ادیب الممالک، عبدالعلی خان. سفرنامه ادیب الممالک به عتبات. به تصحیح مسعود گلزاری. تهران: انتشارات دادجو، ۱۳۶۴.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. تاریخ منتظم ناصری. به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۷.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. مرآت البلدان. به تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. روزنامه خاطرات، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶.

اوبن، ژان. ایران امروز. ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲.

- اوتر، ژان. سفرنامه ژان اوتر. ترجمه علی اقبالی. تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳.
- باوهر، نه‌حمده. میژووی میرایه‌تی باجه‌لان-مه‌لا محمه‌دی جوانرویی. عراق: ناوه‌ندی توژیینه‌وه‌ی میژووی جه‌میل روزبه‌یانی، ۲۰۱۷.
- بایندر، هانری. کردستان بین النهرین و ایران. ترجمه کرامت الله افسر. تهران: انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۷۰.
- برن، ره‌ر. نظام ایالات در دوره صفویه. ترجمه کیکاوس جهان‌داری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- بکنغهام، جمس. رحلتی الی العراق. ترجمه به عربی سلیم طه التکریتی. بغداد: مطبعه اسعد، ۱۹۶۸.
- تکابنی، محمد بن سلیمان. قصص العلماء. به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی. تهران: نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
- خاطرات احتشام السلطنه. بکوشش و تحشیه سید محمد مهدی موسوی. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۶۷.
- خانای قوبادی. شیرین و خوسره‌و. به کوشش محمدی مه‌لا کریم. بغداد: چاپخانه کوری زانیاری کورد، ۱۹۷۵.
- خاوری میرزا فضل الله شیرازی. تاریخ ذو القرنین. مصحح ناصر افشار فر. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- خورموجی، میرزا جعفرخان حقایق نگار. نزهت الاخبار. به تصحیح سید علی آل داود. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ۱۳۸۰.
- دنبلی، عبدالرزاق. مآثر السلطنه. به کوشش فیروز منصوری. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۵.
- دیوان بیگی شیرازی، احمد. حدیقه الشعرا. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات زرین، ۱۳۶۴.
- رضا قلی میرزا. سفرنامه. به کوشش اصغر فرمانفرمایی قاجار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- سپهر، محمدتقی. ناسخ التواریخ. به کوشش جمشید کیانفر. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
- سلطانی، محمدعلی. تاریخ تشیع در کرمانشاه. تهران: انتشارات سُها، ۱۳۸۰.
- سلطانی، محمدعلی. جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان. تهران: موسسه فرهنگی نشر سُها، جلد ۴ و ۵. ۱۳۸۱.

- سلطانی، محمدعلی. جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان (ایلات و طوایف). تهران: مولف، جلد ۳/۲. ۱۳۷۲.
- سلطانی، محمد علی. حدیقه سلطانی. تهران: مؤسسه فرهنگی نشر سُها. ۱۳۸۶.
- سلطانی، محمد علی. قیام و نهضت علویان زاگرس، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر سُها، ۱۳۷۶.
- سنجابی، کریم. ایل سنجابی و مجاهدات ملی ایران (خاطرات سردار مقتدر سنجابی). تهران: انتشارات پردیس دانش، ۱۳۹۳.
- سندجی، میرزا شکرالله. تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. به تصحیح حشمت الله طیبی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- سیاحتنامه مسیو چریکف. ترجمه آبکار مسیحی. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۸.
- عضدالدوله، احمد میرزا. تاریخ عضدی. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات بابک. ۱۳۷۶.
- عظیمی، کیومرث. تاریخ تشیع در کردستان. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۹۵.
- فرمانفرمایان، مهرماه. زیر نگاه پدر (خاطرات مهرماه فرمانفرمایان از اندرونی). تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۷.
- غفاری، ابوالحسن. گلشن مراد (تاریخ زندیه). به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات زرین.
- فووریه، جیمز. سه سال در دربار ایران. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: نشر علم، ۱۳۸۵.
- بهبهانی، آقا احمد بن محمد علی. مرآت الاحوال جهان نما. به کوشش علی دوانی. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۲.
- کرزن جورج ناتانیل. ایران و قضیه ایران. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- کشاوری، اردشیر. رجال مشاهیر کرمانشاهان. کرمانشاه. انتشارات طاق بستان. ۱۳۸۲.
- کشاوری، اردشیر. زندگی و زمانه‌ی امامقلی میرزای عمادالدوله. کرمانشاه. نشر سرانه، ۱۴۰۰.
- کشاوری، اردشیر. شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه. کرمانشاه، ناشر مولف. ۱۳۹۵.
- کشاوری، اردشیر. زندگان عرصه عشق، کرمانشاه، انتشارات طاق بستان، ۱۳۸۲.
- کمپفر، انگلبرت. سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳.
- گروته، هوگو. سفرنامه گروته. ترجمه مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز. ۱۳۶۹.

گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه. واحد نشر اسناد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، جلد اول، ۱۳۶۹.

گلزاری، مسعود. کرمانشاهان - کردستان. تهران، انجمن آثار ملی. ۱۳۵۷.

گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین. مجمل التواریخ. بسعی و اهتمام مدرس رضوی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.

محمود میرزا. تاریخ صاحبقرانی. به تصحیح نادره جلالی. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹. مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من. تهران: نشر زوار. ۱۳۴۳.

مطلبی، مطلب. ایلات کرمانشاهان و نقش آن‌ها در قشون ایران عصر قاجار. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۵.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ. تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.

ناصرالدین شاه. شهریار جاده‌ها سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات. به کوشش محمد رضا عباسی و پرویز بدیعی. تهران: اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲.

ناطق، هما. مصیبت وبا و بلای حکومت، تهران: نشر گستره. ۱۳۵۸.

نفیسی، سعید. تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران: انتشارات اهورا. ۱۳۸۳.

واله قزوینی، محمد یوسف. ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم. محقق / مصحح: محمد رضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲.

وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر. تاریخ جهان‌آرای عباسی. محقق / مصحح سید سعید میر محمد صادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.

ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸) ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۸

هدایت، رضاقلی خان. روضه الصفای ناصری. به تصحیح جمشید کیانفر. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۳۹. جلد ۱۳ و ۱۴.

Floor, Willem . **KERMANSHAH City & Province 1800-1945**. Washington: DC, MAGE PUBLISHERS.2018.

### مقالات

آقازاده، جعفر و خوش آب، فرزاد. «اقدامات محمدعلی میرزا دولت‌شاه برای ایجاد سپاه مدرن در کرمانشاهان». فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی. سال سوم. شماره دهم. ۱۳۹۵: ۱۹-۳۸.

آقازاده، جعفر و خوش آب، فرزاد و حسینی، سجاد. «اقدامات امنیتی-انتظامی محمدعلی میرزا دولت‌شاه در غرب کشور». فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، سال هشتم. شماره بیست و هشتم. ۱۴۰۰: ۱۲۲-۱۰۳.

خاکسار بلداجی، ابراهیم و کجباف، علی اکبر. «خاندان دولتشاهی در مواجهه با عثمانی». فصلنامه تاریخ روابط خارجی. سال شانزدهم. شماره ۶۳. ۱۳۹۴: ۸۰-۵۷.

خسروی زاده، صباح؛ باقرعلی عادل‌فر و نصراله پورمحمدی املشی. ایل باجلان در کشاکش جنگ جهانی اول. تاریخنامه ایران بعد از اسلام. شماره شانزدهم. ۱۳۹۷: ۱۱۱-۹۱.

نوری، جعفر. اوضاع سیاسی کرمانشاه در عصر صفویه با تکیه بر ایل زنگنه. تاریخ پژوهی. سال یازدهم. شماره ۴۰ و ۴۱. ۱۳۸۸: ۳۹-۵۲.

### Abstract

Although the re-formation of the city of Kermanshah after the Mongol attack and its destruction was due to the Zanganeh dynasty, especially from the era of Sheikh Ali Khan Zanganeh, the chancellor of the Safavid period and the elders of the Zanganeh family, with this description, it can be said that the new identity and the new social, religious and urban structure of the Kermanshahs were influenced. The presence of Dolatshah and his children was formed in this geography. Dolatshah's actions were not only limited to architecture and construction, the influential presence of clergy,

cultural changes, the presence of merchants, Persian-speaking poets from other cities of Iran, and the convergence of the people of Kermanshah with the central government compared to other Kurdish regions were the results of Dolatshah's authoritative rule. With the death of Daulatshah and Muhammad Shah's enmity with his children, Kermanshah fell into stagnation and decline again, this time during the era of Naser al-Din Shah and thanks to the actions of Imad al-Dulah, one of Daulatshah's sons, he was able to rise again. Now the question is raised, what were the cultural and economic actions of these two personalities in Kermanshah? What were the important similarities and differences of the situation in Kermanshah during the era of the two mentioned rulers? In this article, Baroosh analyzes and describes this issue with the help of historical data.

پایگاه  
پژوهشی  
انتشار